

می‌کند. در این فضا اعتماد برای حضور در اقتصاد ایران شکل نخواهد گرفت. حفظ ساختار تحریم از سوی دولت آمریکا به دو معنا رخ داده است: اول اینکه ساختار و سازوکارهای حقوقی قوانین تحریم پابرجا مانده است. یعنی تمامی قوانین تحریمی کنگره آمریکا که بخش اصلی تحریم‌های آمریکا علیه ایران را شکل می‌دهند، باقی می‌ماند. در برجام تنها برخی از این قوانین به صورت موقت اجرایشان متوقف می‌شود. اما بخش قابل توجه دیگری که از نظر دولت آمریکا تحریم‌های غیرهسته‌ای بوده (حمایت از تروریسم، حقوق بشر و سلاح‌های کشتار جمعی) باقی خواهد ماند.

معنای دوم اینکه از نظر موضوعی، ساختمان تحریم‌ها باقی‌مانده و تنها برخی از اجزای این ساختمان به صورت موقت اثر اجرایی ندارند. هنوز سیستم بانکی ایران به عنوان منطقه پولشویی (بر اساس بند a بخش ۱۲۴۵ قانون NDAA 2012) شناخته می‌شود و همچنان همکاری اقتصادی با بانک‌های ایران ریسک حضور در اقدامات پولشویی را داراست. آمریکا می‌تواند هر یک از بانک‌های ایرانی را که بخواهد به عنوان موسسه مالی تامین‌کننده فعالیت‌های تروریستی و یا همکاری با نهادهای حامی تروریسم، تحریم کند.

در حوزه نفتی نیز باقی ماندن حالت عدم دسترسی به پول نفت یا قفل شدن پول‌های نفتی باقی مانده و آثار خود را بر اقتصاد ایران خواهد گذاشت. خریداران جدید نیز باید با هماهنگی دولت آمریکا اقدام به خرید نفت کنند. ریسک همکاری اقتصادی با ایران نیز به دلیل بازگشت‌پذیری سریع تحریم‌ها همچنان بالاست. در نتیجه از نظر موضوعی نیز بخش مهمی از ساختمان تحریم‌ها باقی می‌ماند.

2- نحوه انشای مفاد برجام به نحوی است که به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حاکمیت - نه صرفاً قوه اجرایی دولت جمهوری اسلامی ایران - برجام را خواهد پذیرفت اما مستند به بندهای متعدد برجام از جمله بندهای ۲۳ و ۲۵ ایالات متحده، اولاً به عنوان قوه اجرایی و نه قوه مقننه فدرال و ثانیاً به عنوان قوه اجرایی فدرال و در قالب محدودیت‌های آن و فارغ از قوه اجرایی و مقننه ایالات این کشور برجام را پذیرفته است؟ این عدم تعادل در سطح پذیرش برجام هرچند تا حدودی ریشه در ویژگی خاص نظام حقوقی ملی دو طرف دارد لیکن زمینه فرار از اقدامات مورد پذیرش توسط ایالات متحده آمریکا را به همراه دارد؛ در این خصوص چه تدبیری اندیشیده شده است؟

یکی از زیرکی‌های آمریکا در تنظیم برجام ایجاد تمایز میان قوای داخلی آمریکا در متعهد شدن به مفاد برجام است. بر این اساس و همان طور که در بند ۱۱ ضمیمه پنجم تصریح شده است، «ایالات متحده آمریکا، وفق اختیارات ریاست جمهوری، اقدام به صدور دستورهای توقف که از «روز اجرا» واجد اثر می‌شود، خواهد نمود که موجبات توقف اعمال تحریم‌های مرتبط هسته‌ای مبتنی بر قوانین موضوعه به نحو مصرح در بخش‌های ۱۷-۱ تا ۱۷-۲ این پیوست را فراهم خواهد کرد.»

نکته قابل توجه این است که اختیارات رئیس جمهور آمریکا در توقف موقت اجرا براساس ظرفیت قانونی (ویورها) صرف‌نظر کردن) انجام می‌شود که در قوانین موضوعه آمریکا حدودش توسط کنگره مشخص می‌شود. این رویه هیچ قالب مشخص و همیشگی ندارد و بنا به تشخیص کنگره تعیین می‌شود. کنگره می‌تواند در برخی قوانین اختیار «ویورها/ صرف‌نظر کردن» را به رئیس جمهور بدهد و یا ندهد. کیفیت این اختیار نیز می‌تواند متفاوت باشد. رئیس جمهور آمریکا در صورت استفاده از این اختیار باید به کنگره گزارش دهد و گواهی کند که شرط استفاده از این اختیار محقق شده است (در قانون ایسا ۱۹۹۶) کنگره از رئیس‌جمهور خواسته است که گواهی دهد صرف‌نظر کردن از اجرای تحریم‌ها برای منافع ملی آمریکا اهمیت (important) دارد، در قانون جامع تحریم ایران (سیسادا ۲۰۱۰) باید گواهی دهد که برای منافع ملی آمریکا ضروری (necessary) است، در قانون کاهش تهدید ایران (TRA 2012) باید گواهی کند که برای منافع ملی واجب (essential) است و در مورد تحریم‌های سلاح‌های کشتار جمعی هم باید گواهی کند که برای منافع ملی حیاتی (vital) است.

همچنین مدت زمان اعتبار ویورها/ صرف‌نظر کردن نیز محدود است و رئیس جمهور برای ادامه یافتن توقف موقت اجرای قوانین باید قبل از پایان بازه زمانی ویور/ صرف‌نظر کردن، آنها را مجدد تمدید کند. در قوانین آمریکا هم بازه‌های ۱۲۰ روزه و هم ۱۸۰ روزه وجود دارد. البته کنگره می‌تواند این مدت زمان را کم یا بیش‌تر کند. از آنجا که قوانین کنگره تأثیر ۵ ساله داشته و باید در انتهای آن دوباره بررسی و تصمیم‌گیری شود، این امکان وجود دارد که در تمدید قوانین حدود اختیارات رئیس جمهور را تغییر دهند.

اگر تغییر اختیارات رئیس جمهور آمریکا از سوی کنگره صورت پذیرد و در حالت جدید رئیس جمهور آمریکا نتواند تحریم‌های مشخص شده در برجام را موقتاً متوقف کند، نقض برجام صورت نگرفته چرا که دولت آمریکا متعهد به انجام برجام براساس اختیارات خودش شده است. تنها راه پیش روی رئیس جمهور آمریکا وتو کردن قانون اصلاح شده توسط کنگره است که در برجام تعهدی مبنی بر این موضوع وجود ندارد.

3- بر اساس زیربند ۱۶ بند C و زیربند ۲۰

بند D به ترتیب مرتبط با روز اجرا و روز انتقال، برخی مفاد اتحادیه اروپایی لغو و برخی مفاد اتحادیه تعلیق می‌شود، اما بر اساس برجام مفاد

Council Decision CFSP 2010/413 تعلیق می‌شود و نه لغو! علت آن چیست؟ از آنجایی که تحریم‌های اروپا ناشی از «تصمیمات شورا» و «مقررات شورا» بوده و تصمیمات شورا زیربنای مقررات آن هستند آیا این موضوع به منزله تعلیق بخشی

از تحریم‌ها در روز اجرا به جای لغو آنها نیست؟ با توجه به اینکه تحریم‌های اروپا در تحریم‌های ثانویه آمریکا نیز موجود هستند، تعلیق تحریم‌های اروپا (حتی در همین حد موجود در برجام) درصحنه عمل تغییری در ساختار تحریم‌های کشور و اثرات آن ایجاد خواهد کرد؟

بر اساس برجام اتحادیه اروپا متعهد شده است تا در روز اجرا برخی از مفاد مقررات اجرایی (Council Regulation) مصوبه ۲۰۱۲ را لغو و مفاد مرتبط در تصمیم شورا (Council Decision) مصوبه ۲۰۱۰ را تعلیق کند. تفاوت این دو پدیده حقوقی در این است که مقررات اجرایی تعیین‌کننده شیوه اجرای تصمیم شورا است و تا زمانی که تصمیم شورا وجود نداشته باشد، مقررات اجرایی نمی‌تواند وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اتحادیه اروپا تصمیم سیاسی خود را در تصمیم شورا می‌گیرد و اخذ مقررات اجرایی نیازی به همراه کردن اراده‌های سیاسی ندارد و تنها هماهنگی‌های اجرایی لازم است و مسیر بسیار سریعی را طی خواهد کرد. به همین دلیل است که اروپا در تعیین مصادیق تحریم که به طور گسترده در سال ۲۰۱۲ رخ داد، سریع عمل کرد چرا که قانون مشروعیت‌بخش آن از قبل وجود داشت.

در نتیجه آنچه که در توافق وین رخ داده است همان تعهدی است که اتحادیه اروپا در بیانیه لوزان وعده داده بود. در آن بیانیه اتحادیه اروپا متعهد به خاتمه دادن به اجرای (Terminate implementation) تحریم‌ها شده بود. اروپا در واقع به تعلیق تحریم‌های خود متعهد شده است و قابلیت بازگشت‌پذیری سریع را خواهد داشت.

4- تحریم‌هایی که به موجب قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، دستورالعمل اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپایی وضع شده است، به موجب برجام لغو شده است یا تعلیق؟ وضعیت تحریم‌ها در برجام:

تحریم‌های اصلی علیه ایران از نظر نهاد وضع‌کننده به تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های اتحادیه اروپا، تحریم‌های دولت آمریکا و تحریم‌های کنگره آمریکا؛ تقسیم می‌شود.

وضعیت هرکدام از دسته‌های فوق در برجام به شرح زیر است:

تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل: براساس برجام به موجب تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ که از روز اجرا موثر می‌شود، تحریم‌های وضع شده در قطعنامه‌های گذشته یعنی قطعنامه ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ لغو خواهد شد. اما از آنجایی که در بند ۱۲ این قطعنامه در صورت اعتراض یکی از اعضای برجام، به صورت خودکار تمامی تحریم‌های لغو شده بعد از ۳۰ روز بازمی‌گردند بدون آنکه مسیر طبیعی خود را طی کنند، نمی‌توان این لغو را یک لغو مطلق دانست بلکه می‌توان آن را لغو مشروط عنوان کرد.

تحریم‌های اتحادیه اروپا: براساس برجام اتحادیه اروپا متعهد شده است تا در روز اجرا برخی از مفاد مقررات اجرایی (Council Regulation) مصوبه ۲۰۱۲ را لغو و مفاد مرتبط در تصمیم شورا (Council Decision) مصوبه ۲۰۱۰ را تعلیق کند. تفاوت این دو پدیده حقوقی در این است که مقررات اجرایی تعیین‌کننده شیوه اجرای تصمیم شورا است و تا زمانی که تصمیم شورا وجود نداشته باشد، مقررات اجرایی نمی‌تواند وجود داشته باشد. به عبارت دیگر اتحادیه اروپا تصمیم سیاسی خود را در تصمیم شورا می‌گیرد و اخذ مقررات اجرایی نیازی به همراه کردن اراده‌های سیاسی ندارد و تنها هماهنگی‌های اجرایی لازم است و مسیر بسیار سریعی را طی خواهد کرد. به همین دلیل است که اروپا در تعیین مصادیق تحریم که به طور گسترده در سال ۲۰۱۲ رخ داد، سریع عمل کرد چرا که قانون مشروعیت‌بخش آن از قبل وجود داشت.

در نتیجه آنچه که در توافق وین رخ داده است همان تعهدی است که اتحادیه اروپا در بیانیه لوزان وعده داده بود. در آن بیانیه اتحادیه اروپا متعهد به خاتمه دادن به اجرای (Terminate implementation) تحریم‌ها شده بود. اروپا در واقع به تعلیق تحریم‌های خود متعهد شده است و قابلیت بازگشت‌پذیری سریع را خواهد داشت.

تحریم‌های دولت آمریکا: برخی از تحریم‌های آمریکا علیه ایران به واسطه صدور دستورات اجرایی رئیس‌جمهور (Executive Orders) است. تاکنون ۱۷ دستور اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا به منظور اعمال تحریم ایران صادر شده است که براساس متن برجام (بند ۱۷.۴ ضمیمه پنجم) از ۱۷ دستور اجرایی فوق تنها ۴ دستور به همراه بخشی از یک دستور دیگر، قرار است لغو شود.

تحریم‌های کنگره آمریکا: براساس برجام رئیس‌جمهور آمریکا متعهد شده است وفق اختیارات خود اقدام به توقف موقت اجرای قوانین تحریمی کنگره کند (در این زمینه هیچ‌گونه لغوی در کار نیست). اما این توقف موقت اجرا شامل تمامی قوانین تحریمی کنگره نمی‌شود. قوانین تحریمی کنگره آمریکا علیه ایران به شرح زیر است:

1- قانون تحریم ایران (ایسا ۱۹۹۶)

2- قانون عدم اشاعه ایران، کره شمالی و سوریه (INKSA) (در برجام هیچ اشاره‌ای به این قانون نشده است)

3- قانون منع اشاعه هسته‌ای ایران (INPPA 2002)، (در برجام هیچ اشاره‌ای به این قانون نشده است)

4- قانون حمایت از آزادی در ایران (IFSA) (در برجام هیچ اشاره‌ای به این قانون نشده است)

5- قانون جامع تحریم ایران و کاهش سرمایه‌گذاری (سیسادا ۲۰۱۰) (در برجام یک بند از بندهای تحریمی این قانون شامل توقف موقت اجرا می‌شود)

6- قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲- بخش ۱۲۴۵ (۲۰۱۲) (در برجام بند d1 و d3 از بخش ۱۲۴۵ شامل توقف

موقت اجرا می‌شود)

7- قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر در سوریه (TRA2012)

8- قانون آزادی و مقابله با اشاعه ایران (IFCA, 2012)

(بندهای ۱۲۴۴(a) and 1246(a) and (c), 1245(a)(1)(A), (a)(1)(C)(i)(II) and (d), 1) (c) شامل توقف موقت اجرا می‌شود)

همچنین برخی از قوانین کنگره وجود دارد که اختصاص به ایران نداشته اما برخی از نهادها و بانک‌های ایران مصداق اجرای این قوانین تشخیص داده شده‌اند مانند قانون وطن‌پرستی آمریکا. بر اساس برجام موارد مهم زیر شامل توقف موقت اجرا نمی‌شود:

* بندهای باقی مانده از قانون سیسادا:

* بند (b)(2) از بخش ۱۰۳

* بند (b)(3) از بخش ۱۰۳

* بند (c)(2)(A) از بخش ۱۰۳: تحریم موسسات مالی خارجی که برای دولتمردان ایرانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خدمات ارائه دهند.

* بند (c)(2)(B) از بخش ۱۰۳: تحریم موسسات مالی خارجی که به افراد و نهادهایی که براساس قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل تحریم شده‌اند، ارائه خدمات می‌دهند.

* بند (c)(2)(C) از بخش ۱۰۳: تحریم موسسات مالی خارجی که در امر پولشویی برای مقاصد مطرح شده در بند A,B اشاره شده است

* بند (c)(2)(D) از بخش ۱۰۳: تحریم موسسات مالی خارجی که به بانک‌های ایرانی و همچنین بانک مرکزی ایران خدماتی ارائه دهند که منجر به انجام اقدامات توصیف شده در بند A,B شود.

* بند (c)(2)(E)(i) از بخش ۱۰۳: تحریم موسسات مالی خارجی که تراکنش مالی و یا خدمات مالی مهمی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و یا سایر افرادی که براساس قانون حالت فوق‌العاده دارایی‌های آنها بلوکه شده است؛ ارائه دهند.

* بند (c)(2)(E)(ii)(II) از بخش ۱۰۳: تحریم موسسات مالی خارجی که تراکنش مالی و یا خدمات مالی مهمی به موسسه مالی که دارایی‌هایش به دلیل ارتباط با حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی بلوکه شده است.

* بخش ۱۰۵: تحریم افرادی که در موضوع نقض حقوق بشر در ایران مسئول شناخته می‌شوند.

* بخش ۱۰۶: دولت آمریکا با نهادهایی که فناوری‌های حساس را به ایران صادر می‌کنند وارد معامله اقتصادی نخواهد شد.

* بخش ۱۰۸: اعمال تحریم‌های مشخص شده در قطعنامه‌های سازمان ملل.

* بخش ۳۰۳: ایجاد محدودیت برای کشورهای که مقررات کنترل صادرات را رعایت نکرده و منجر به توسعه تسلیحات کشتار جمعی و سیستم‌های هدایت‌کننده و تروریسم بین‌المللی می‌شوند.

بندهای باقی‌مانده از قانون ۲۰۱۲: NDAA,

* بند C از بخش ۱۲۴۵: بلوکه شدن دارایی‌های موسسات مالی ایران در آمریکا

* بند 4 (d) از بخش ۱۲۴۵ (تحریم تراکنش‌های مالی خرید نفت از ایران)

* بندهای باقی مانده از قانون IFCA

* بند d از بخش ۱۲۴۷: تحریم تراکنش مالی نفت ایران و قفل شدن آنها

* بند e از بخش ۱۲۴۷: تحریم تراکنش مالی خرید گاز از ایران و قفل شدن آنها

* بخش ۱۲۴۸: تحریم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

* و ...

5 - با توجه به بند ۳۰ متن اصلی برجام آیا اتحادیه اروپایی و آمریکا امکان وضع تحریم‌ها را براساس سایر جهاتی(حقوق بشر، تروریسم و ... (که در قوانین این کشورها مقرر می‌شود دارد؟

بر اساس متن برجام در بندهای ۲۶ و ۲۹ و ۳۰ از متن اصلی، اتحادیه اروپا متعهد شده است تا از اعمال تحریم‌های مشخص شده در برجام به بهانه‌های دیگر خودداری کند. به نظر می‌رسد این تصریح دست اتحادیه اروپا از اعمال مجدد این تحریم‌ها را از نظر حقوقی خواهد بست. اما توجه به دو نکته ضروری است: اول اینکه تحریم‌های حقوق بشری اتحادیه اروپا کما فی‌السابق ادامه دارد. تصمیم شورای اتحادیه اروپا به شماره ۲۰۱۱/۲۳۵ که تحریم‌های حقوق بشری علیه ایران اعمال کرده است، بدون هیچ تغییری ادامه خواهد یافت و برجام منعی برای ادامه این قانون تحریمی قرار نداده است. دوم اینکه اتحادیه اروپا در گذشته نشان داده است که به قواعد حقوقی پایبند نبوده و علی‌رغم آنکه چندین بانک و نهاد ایرانی از جمله بانک ملت، بانک تجارت و شرکت ملی نفتکش از دادگاه عالی اروپا رای لغو تحریم‌های خود را گرفته بودند، اما این اتحادیه اروپا به بهانه‌های دیگری این بانک‌ها و شرکت ملی نفتکش را در لیست تحریمی خود قرار داد.

دولت آمریکا براساس بند ۲۶ متن اصلی برجام، تعهد خود مبنی بر عدم بازگرداندن تحریم‌های مشخص شده در ضمیمه دوم برجام را «در چارچوب نقش مشخص رئیس‌جمهور و کنگره» بیان کرده است. با توجه به اختیارات محدود رئیس‌جمهور آمریکا در توقف اجرای تحریم‌ها و نیز باقی ماندن بخش مهمی از تحریم‌های آمریکا در قالب عبارت تحریم‌های غیرهسته‌ای؛

به نظر نمی‌رسد دولت آمریکا از اعمال مجدد تحریم‌ها در قالب‌های دیگر خودداری کند. آدام ژوبین معاون وزارت خزانه‌داری آمریکا تصریح کرده است که: «ما به صراحت به سران ایران اعلام کرده‌ایم که اگر ببینیم هر یک از بانک‌هایی که از فهرست تحریم‌ها خارج می‌شوند به حمایت از حزب‌الله و نیروی قدس و فعالیت‌های غیرقانونی بالستیک ایران مبادرت کنند، بار دیگر این بانک‌ها در فهرست تحریم‌ها قرار خواهند گرفت». این صحبت به معنای باقی ماندن با قدرت تحریم‌های غیرهسته‌ای و عدم انجام تعهد مندرج در برجام می‌باشد.

6- توجه و توان برجام در توقف تلاش آمریکا برای حفظ و تداوم فضای روانی سنگین تعامل با ایران، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل بی‌اثر کردن تخفیف تحریمی چیست؟ اکنون در برجام چگونه راه‌های بهانه‌جویی و اعمال فشار آمریکا و همپیمانانش مسدود شده است؟ چگونه می‌توان راستی‌آزمایی وجود «اراده سیاسی» در طرف مقابل برای تخفیف تحریم‌ها در برجام را داشت؟

* همان طور که از بررسی تحریم‌های اعمال شده علیه ایران مشخص می‌شود برخی از محدودیت‌های موجود در این زمینه ناشی از جو روانی و غیررسمی است که از سوی دولتمردان آمریکایی ایجاد شده است. سوال مهم این است که آیا آمریکا می‌تواند این فشار غیررسمی و روانی را بعد از برجام حفظ کند. در پاسخ به این سوال نکات زیر باید مد نظر قرار گیرد:

* دولت آمریکا براساس برجام تنها به توقف موقت اجرای برخی از تحریم‌ها متعهد شده است. بخش مهمی از قوانین و همچنین بسترهای حقوقی آن همچنان باقی مانده و واجد اثرگذاری هستند. برای مثال براساس بند a از بخش ۱۲۴۵ قانون NDAA نظام بانکی ایران منطقه نگران‌کننده در زمینه پولشویی تشخیص داده شده است. این مسئله در برجام بدون تغییر باقی مانده است، در نتیجه طبیعی است که آمریکا به موسسات مالی سایر کشورها هشدارهای لازم را برای عدم آسیب دیدن از طریق همکاری با نظام بانکی ایران اعلام کند و یا براساس این قوانین فشار روانی لازم را شکل دهد. از طرف دیگر قوانین دیگر تحریمی از جمله تحریم‌های مشخص‌شده در قانون سیسدا وجود دارد که براساس برجام قرار نیست اجرای آنها متوقف شود، در نتیجه باقی ماندن آنها و اجرای آنها از سوی دولت آمریکا ریسک همکاری با بانک‌ها و نهادهای ایرانی را حفظ خواهد کرد. پس می‌توان گفت که آمریکا ظرفیت قانونی لازم برای حفظ جو روانی علیه ایران که منجر به عدم همکاری اقتصادی دیگر کشورها با ایران شود را داراست. تجربه دو سال اجرای توافق ژنو بسیار درس‌آموز خواهد بود. آمریکا با جریمه کردن بانک‌های خارجی به دلیل همکاری با اقتصاد ایران که بیش از ۱۲ میلیارد دلار شد، جو روانی سنگین علیه همکاری اقتصادی با ایران را مدیریت کرد.

* نکته دیگر در این زمینه عدم توانایی در اثبات فعالیت‌های غیررسمی برای حفظ بر ایران است. این گونه فعالیت‌ها به صورت غیررسمی، غیرشفاف و خارج از عرف‌های سیاسی موجود می‌باشد. در نتیجه برای طرف ایرانی اثبات وجود چنین فشارهایی در کمیسیون مشترک به عنوان مرجع حل اختلافات بسیار سخت است.

* نکته آخر اینکه تجربه تحریم ایران نشان داده است که فشار روانی می‌تواند از فعالیت‌های گروه‌های غیردولتی صورت پذیرد. برای نمونه فعالیت‌های گروه اتحاد علیه ایران هسته‌ای که با فشار بر شرکت ایتالیایی فیات مانع ادامه همکاری این شرکت با اقتصاد ایران شدند.

7- با توجه به عدم لغو همه تحریم‌ها و حفظ بلاتکلیفی در فعالین اقتصادی، به علت حفظ سایه بازگشت آسان تحریم‌ها و ایجاد ریسک برای شرکت‌ها و افراد فعال در حوزه‌های صنعتی و تجاری برای حضور در ایران از یک سو و از سوی دیگر به علت بلندمدت و چندین‌ساله قراردادهای حوزه‌های مهم صنعتی و تجاری، چه تدبیری برای برون‌رفت از حفظ زیرساخت تحریم غرب و خطرات ناشی از آن صورت گرفته و پیش‌بینی شده است؟

* متأسفانه مسئله بازگشت‌پذیری سریع (snap-back) تحریم‌ها در برجام وجود داشته و همین مسئله سبب خواهد شد تا ریسک همکاری اقتصادی با ایران نسبت به قبل از برجام تغییر محسوسی نکند. در نتیجه به نظر نمی‌رسد بتوان تدبیری در برطرف کردن این مسئله انجام داد.

8- با توجه به وضعیت تحریم سوئیفت در توافق جامع که در متن اصلی توافق بر برداشته شدن تحریم آن برای افراد و نهادهای پیوست یک از ضمیمه دوم در بند ۱۹ از متن اصلی توافق تأکید شده ولی در بند ۲۰ از ضمیمه پنجم این تعهد به روز انتقال موکول شده است، زمان رفع مشکلات ناشی از ایجاد محدودیت در ارائه خدمات سوئیفت چه موقع می‌باشد؟

* متأسفانه علی‌رغم تأکید متن اصلی برجام در برداشته شدن تحریم سوئیفت در روز اجرا، اما در ضمیمه پنجم موضوع توقف اجرای تحریم خدمات پیام‌رسانی مالی از جمله سوئیفت به بعد روز انتقال موکول شده است. به نظر می‌رسد اگر اتحادیه اروپا با حسن ظن به اجرای برجام بپردازد، با خارج شدن افراد و نهادهای مشخص شده در پیوست یک از ضمیمه دوم، ممنوعیت ارائه خدمات سوئیفت به آنها برداشته خواهد شد، اما این امر به صورت صریح در ضمیمه پنجم بیان نشده است. در جمع‌بندی می‌توان گفت که استفاده از خدمات سوئیفت فقط برای لیست بانک‌های مشخص شده در پیوست یک از ضمیمه دوم در روز اجرا به سختی و با پیگیری‌های مکرر امکان‌پذیر خواهد بود.

9- در برجام برداشته شدن تحریم مهمی چون دسترسی به درآمدهای نفتی در ابهام جدی است. آیا در برجام راه مشخصی برای بازگشت پول فروش نفت یا گاز پیش‌بینی شده است؟

متأسفانه در هیچ کجای برجام سخنی از برداشته شدن تحریم درآمدهای نفتی نشده است. نه در ضمیمه دوم و در توضیح تحریم‌ها و نه در ضمیمه پنجم که برنامه اجرایی توافق است. همچنین با بررسی قوانینی که آمریکا متعهد به توقف موقت

اجرایشان شده است، مشاهده می‌شود که بند d4 از بخش ۱۲۴۵ NDAA که مربوط به تحریم تراکنش‌های مالی خرید نفت ایران می‌باشد و همچنین بند d از ۱۲۴۷ IFCA که درباره تحریم تراکنش‌های مالی خرید نفت از ایران است، مورد اشاره قرار نگرفته و در هیچ جای برجام ذکر آن نرفته است. در نتیجه این تحریم‌ها کما فی‌السابق ادامه خواهد یافت و در نتیجه آن خریداران نفت ایران باید درآمدهای ناشی از آن را در یک حساب به نام ایران واریز کرده و ایران تنها می‌تواند از این منابع در تجارت دوجانبه با کشور خریدار نفت استفاده کند. ایران حتی قادر به خرید طلا و انتقال آن به داخل کشور نخواهد بود.

همچنین بند e از بخش ۱۲۴۷ IFCA که درباره تحریم تراکنش مالی خرید گاز طبیعی از ایران می‌باشد، همانند تراکنش مالی نفت ایران در برجام مورد اشاره قرار نگرفته است و در نتیجه اجرای برجام قرار نیست درآمدهای ناشی از فروش گاز (در صورت تحقق یافتن با وارد شدن فازهای پارس جنوبی به بخش تولید گاز) به راحتی در اختیار ایران قرار گیرد.

10- تحریم چرخه دلار تا چه زمان ادامه خواهد یافت؟

* تحریم چرخه دلار یا U-Turn از سال ۲۰۰۸ علیه نظام بانکی ایران اعمال شده است. این تحریم از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا وضع شد. براساس این تحریم دیگر بانک‌های خارجی قادر به کلیر (clear) کردن تراکنش‌های دلاری بانک‌های ایرانی نیستند. تا قبل از آن بانک‌های خارجی به نیابت از بانک‌های ایرانی این کار را انجام دهند. اما بعد از این مصوبه وزارت خزانه‌داری دیگر این کار امکان‌پذیر نبود و در نتیجه بانک‌های ایرانی از انجام فعالیت‌های بانکی بر پایه دلار محروم شدند. این تحریم در برجام اشاره نشده است و در نتیجه باقی خواهد ماند. نه در روز اجرا و نه روز انتقال و نه حتی در روز خاتمه این تحریم تغییر نخواهد کرد.

* با سپاس از معاونت علمی و پژوهشی سازمان بسیج دانشجویی